

۵ گروه که تخفیفی در عذابشان نیست

استاد درس خارج حوزه علمیه تاکید کرد: تعبیر «فلا يخفف عنهم العذاب» در ۵ مورد در قرآن تکرار شده است.



استاد درس خارج حوزه علمیه تاکید کرد: تعبیر «فلا يخفف عنهم العذاب» در ۵ مورد در قرآن تکرار شده است. این ۵ گروه در یک نقطه مشترک هستند و آن استمرار و پافشاری بر عناد و لجاجت است لذا پاداش آنها متناسب با عملشان است؛ در طول حیات دنیا سر سوزنی از کفر خودشان کم نکردند پس در آخرت هم با جزای آن که موافق و متناسب است روبرو خواهند شد. علی نصیری به گزارش اینکنا، حجت الاسلام والمسلمین علی نصیری؛ استاد درس خارج حوزه علمیه و بنیانگذار مؤسسه معارف وحی و خرد، ۲ اردیبهشت ماه در ادامه سلسله مباحث تفسیری خود به تفسیر آیه ۸۶ سوره مبارکه بقره پرداخت که متن سخنان وی به شرح زیر است:

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره، ۸۶)

در ادامه آیات قبل که سراسر نکوهش یهودیان بود در این آیه فرموده است اینها کسانی هستند که حیات دنیا را در برابر آخرت خریدند و به همین دلیل مستوجب عذابی خواهند بود که تخفیف به آنان داده نمی شود و یآوری هم نخواهند داشت.

از چند آیه قبل یکسره سرخط کزی و انحراف یهود بحث شده است؛ در آیه ۸۴ فرمود: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تُشْهَدُونَ؛ در آیه ۱۶ هم در مورد کافران فرمود: أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ؛ تعابیر اشتري و بيع و تجارت در قرآن زیاد به کار رفته است مانند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ؛ يَا إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ يَعْبُدْهُ مِنَ اللَّهِ فَاستَبْشِرُوا ببيعكم الذي بايعتم به وذلك هو الفوز العظيم؛ یا آیه: إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ. در روایات هم از تعبیر سوق و بازار برای دنیا استفاده شده است و این مسئله الفاکنده این نگاه است که مبادا خودتان را ارزان بفروشید؛ امام علی(ع) هم فرمودند: مبلغ و ارزش شما بهشت است و آن را مبادا به کمتر بفروشید.

به نظر می رسد خداوند و در ادامه انبیاء و اولیاء وقتی می خواهند با مردم در سطح عادی و میانه سخن بگویند با زبان خود آنان حرف می زنند؛ اینکه در روایت بیان شد انسان ها در عبادت چند دسته هستند از جمله برخی خدا را به طمع بهشت و جهنم عبادت می کنند و برخی عاشقانه و عارفانه خدا را به خاطر وجه او عبادت می کنند. زبان عمده مردم این است که در هر کاری سود و زیان مادی خود را در نظر می گیرند و چنین افرادی به مرحله عشق نمی رسند.

دعوت قرآن به مصلحت اندیشی براساس حب ذات

حب ذات کانونی ترین مسئله در وجود انسان است و انسان همه چیز را برای خودش می خواهد لذا عقل مصلحت سنج و مفسده گریز او را به سمتی دعوت می کند که منفعت وجود دارد و ضرر نیست و اگر ضرری هم وجود دارد سودش بیشتر است: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ در آیات قرآن هم حب ذات به عنوان مدار اصلی به رسمیت شناخته شده است ولی می گوید حالا که دنبال دوست داشتن و حب ذات هستی بهای آن را بدان و کاری بکن که ارزش آن را دارد. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ؛ سخن از خرید و فروش جان است نه چیزی برای جان، لباس و نان و آب و خانه و مرکب برای جان.

قرآن فرموده است که هر کسی که در این معامله جان و وجود خود را بدهد و خدا را بخرد برد کرده است ولی اگر برعکس باشد یعنی وجودش را بدهد و دنیا را بخرد صددرصد زیان کرده است. قرآن کریم حیات واقعی را آخرت می داند و دنیا را بازیچه و لهُو و لعب و سرگرمی. به تعبیر حضرت امیر(ع) دنیا مانند مار سمی است که درونش هزاران آفت دارد. حیات دنیا قلیل و اندک و کوتاه و توام با آفات فراوان است.

حالا چیزی که تحفه ای نیست و هم کوتاه و اندک است ارزش قابل توجهی ندارد که انسان بخواهد جانش را فدای آن کند. در سوره مبارکه اعلی فرموده است: وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ دو ویژگی آخرت خیر و ابقی بودن است؛ خیر هم خیر مطلق است. وقتی قرار است انسان تجارت کند و گرفتار سود و زیان شود عقل چه حکم می کند؟ آیا حیات جاودانه و پر از خیر را باید انتخاب کند یا حیاتی که اندک است و توام با شر و سختی و بدی.

چرا قبرستان ها را به بیرون شهرها می برند؟

امروزه قبرستان ها را به بیرون از شهرها و روستاها می برند ولی در گذشته در کنار هر مسجد و حسینیه یک قبرستان وجود داشت و افراد در رفت و آمد دائمی به مسجد در حقیقت تابلوی وعظ و خطابه قبرستان هم جلوی چشمان او هستند ولی وقتی به بیرون شهر برود سالی یکبار ممکن است به زیارت قبور برود.

عرفان انحرافی خلأ انسان را پر نمی کند

کسی به بنده می گفت اگر ما دائما اینطور برخورد کنیم که دنیا به گاهی نمی ارزد و «به قبرستان گذر کردم کم و بیش/بدیدم قبر دولتمند و درویش/ نه درویش بی کفن در خاک رفته/ نه دولتمند برده یک کفن بیش» زندگی سراسر یاس و نومیدی خواهد شد؛ بنده به او عرض کردم اتفاقا یاس و سرخوردگی و افسردگی برآیند ترک دنیاست ولی بلافاصله پر می شود یعنی ما باید با چیزی تهی شویم و بعد پر شویم که همان تخلیه و تخلیه در سلوک و عرفان است. در تعبیر ادعیه داریم: الهی اخرج حب الدنيا عن قلبی» حب دنیا باید از دل برود ولی باید با عرفان ناب الهی پر شود برعکس عرفان های نوظهور که انسان را از دنیا می کنند ولی چیزی جای آن نمی گذارند.

بنده داستان زندگی یکی از رمان نویسان مشهور قبل از انقلاب را برای او مثال زدم؛ او واجد مکتب و ثروت بود و بورس تحصیلی از فرانسه گرفته بود ولی آخرین رمانی را که نوشت «زنده به گور است»؛ او در نامه هایش به جمال زاده آورده است من هر شب که می خوابم گویی جنازه خود را در خواب دفن می کنم و به آن اخ و تف می گویم ولی در حیرتم چرا صبح بیدار می شوم.

در این کتاب قهرمان قصه خود اوست؛ عاشق دختری می شود و یکبار با او قرار می گذارد به گشت و گذار بروند؛ مکان قرار به صورت اتفاقی کنار قبرستان بوده است و خودش هم زودتر از او بر سر قرار می رود و با مردگان قبرستان سخن می گوید و می گوید اگر قرار است پایان حیات ما این باشد پس بهتر که به حیات خود پایان دهم و خودکشی کرد. قطعاً این فرد یک سر و گردن از افراد دیگر بالاتر است که فهمید دنیا جای خوردن و لذت و چریدن و شهوت نیست ولی اشکال او این بود که از دنیا تهی شد ولی از خدا پر نشد زیرا دین شناس نبود.

در روایات داریم که فرمودند اگر شما بفهمید دنیا چقدر بی مقدار است بر سر خود می زنید و به صحراها می روید. نقل است که وقتی سوره حج نازل شد که فرمود: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ؛ پیامبر(ص) مانند ابر بهار گریه کرد و هر کسی شنید تا سحر سر به بیابان بردند و حضرت آنان را آرام کرد. اگر انسان به حقیقت دنیا پی ببرد امکان ندارد به آن اعتماد و اطمینان پیدا کند و آن را بر قیامت ترجیح دهد و برگزیند.

در آیه مورد بحث فرمود این ها حیات آخرت را به دنیا فروختند و البته در مورد چرایی آن توضیح نداد ولی مشخص است اگر کسی ماهیت حیات دنیا و آخرت را بفهمد هرگز مرتکب این خطا نمی شود. حتی اگر کسی تاجر خوبی هم باشد آخرت را فدای دنیا نخواهد کرد. فلا یخفف عنهم العذاب؛ زیرا کسی که اینطور رفتار کرد اخلاص الی الارض، خواهد شد و ملاک کارهای او کسب درآمد و پول است و مباحث ارزشی، اخلاقی و دین باوری برای او مهم نیست و هر قدر عمر بیشتری کند از نظر باور و رفتار مرتکب خطاهای بیشتر خواهد شد و مانند یهود در برابر انبیاء می ایستد و سر مردم کلاه می گذارد.

۵ گروه که تخفیفی در عذابشان نیست

تعبیر فلا یخفف عنهم العذاب؛ در ۵ مورد در قرآن تکرار شده است؛ اول کسانی که با کفر از دنیا می روند و حاضر به توبه و بازگشت نیستند و در لجاجت باقی می مانند؛ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.

دوم کسانی که دریافتند پیامبر(ص) بر حق است و ایمان آوردند ولی دوباره مرتد شدند و کفر ورزیدند. این تعصب و تصلب است؛ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ...؛ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ.

سوم کسانی هستند که نعمت الهی را شناخته و با وجود شناخت به آن کافر شوند؛ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ یا آیه؛ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤَدُّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ.

چهارم کسانی که کافرند که در جهنم هر لحظه می میرند و زنده می شوند به تعبیر امام صادق(ع) این مرده و زنده شدن مانند گلی است که برداریم و آن را شکل دهیم و دوباره فروپاشانیم؛ یعنی اینطور عذاب می کشند. ثم لا يموت فيها و لا يحيى. نه مرگ بر آن ها نوشته می شود که بمیرند و نه زنده هستند.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ، و در جای دیگر خطاب به آنان فرمود: گروه پنجم هم کسانی که گرفتار استکبار و غرور هستند؛ قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ یعنی در آنجا اجازه گفت و گو با خدا به آنها داده نمی شود لذا واسطه طلب می کنند.

این گروه در یک نقطه مشترک هستند و آن استمرار و پافشاری بر عناد و لجاجت است لذا جزاء وفاقا؛ پاداش آنها متناسب با عملشان است؛ در طول حیات دنیا سر سوزنی از کفر خودشان کم نکردند لذا در آخرت هم با جزای آن که موافق و متناسب است روبرو خواهند شد. در این آیه و آیات متعدد قبل از یهود دوران حضرت موسی(ع) شروع کرده است و امروز هم اینطور هستند و رفتارشان را شاهدیم و یک روز نشده است که از کفر و جنایت خود کم کنند.

انسان معمولا وقتی گرفتار بحران شود از دو ناحیه به دست و پا می افتد تا خود را نجات دهد؛ یکی قوه و توان درونی خود مانند تلاش و دست و پا زدن در هنگام غرق شدن و بعد هم سراغ دیگری اعم از سبب و نسب می رود و به تعبیر قرآن «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرًا قَلْبًا يُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلُّ الْأَرْضِ دَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ»^۱ «وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ تَاصِرِينَ» یعنی حاضرند همه دنیا را بدهند تا از عذابشان کم شود. ولی خدا فرموده است: فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا تَاصِرٍ یعنی نه توان و یاور درونی دارد و نه بیرونی زیرا در آنجا فقط نصرت و یاری خدا وجود دارد و غیر از خدا هیچ یار و یآوری وجود ندارد. فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ يَغْيِرُ الْحَقَّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أُولَٰئِكَ بَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ. همچنین در آیه دیگری فرمود: فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْجَزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْأٰخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ.

خطاب اصلی آیات با یهود است ولی در درجه بعد با مسلمین و همه جهانیان است که به این نوع آیات گزاره های توصیفی گویند که از درون آن توصیف برداشت می شود؛ خبری است که در دل آن انشاء است یعنی می فرماید اینها حیات آخرت را به دنیا فروختند ولی شما این کار را نکنید.